

بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابداری با تأکید بر نقش کمیته حسابداری

سحر سپاسی

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
sepasi@modares.ac.ir

مهدی اسدی وصفی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۱

چکیده

در این پژوهش رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابداری و همچنین اثر قدرت کمیته حسابداری روی این رابطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مدیران بیش‌اعتماد تمایل دارند توانایی خود و پرداخت‌های آتی پروژه‌ها را بیش از حد برآورد کنند و احتمال و رویدادهای ناسازگار را ناچیز پندارند. در نتیجه ممکن است حسابرسان به منظور تلاش‌های حسابداری اضافی بابت افزایش ریسک حسابداری، حق‌الزحمه بیشتری مطالبه کنند. در مقابل ممکن است مدیران بیش‌اعتماد به دلیل غرور در گزارشگری مالی شرکت خود یا تمایل به کاهش رسیدگی دقیق به حسابداری تهاجمی، خدمات حسابداری کمتری را تقاضا کنند. یک کمیته حسابداری قوی می‌تواند ریسک حسابداری مرتبط با بیش‌اعتمادی مدیران را کاهش دهد یا مانع کاهش خدمات حسابداری از طریق مدیران بیش‌اعتماد شوند، بنابراین رابطه بین حق‌الزحمه حسابداری و بیش‌اعتمادی مدیران را تعدیل می‌کند. بررسی ۷۳ شرکت بورس اوراق بهادار در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که رابطه منفی بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابداری وجود دارد. به علاوه کمیته حسابداری قوی نیز نمی‌تواند این اثر منفی را کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: بیش‌اعتمادی مدیران، حق‌الزحمه حسابداری، کمیته حسابداری.

۱- مقدمه

دهند. برای اشاره به این اثر از عنوان ریسک گزارشگری مالی ناشی از بیش‌اعتمادی مدیران استفاده می‌شود.

از طرف دیگر مدیران بیش‌اعتماد به اندازه سایر مدیران به خدمات حسابرسی بها نمی‌دهند و به دلیل غرور ناشی از فرآیند گزارشگری مالی شرکت خود، حق‌الزحمه حسابرسی کمتری را پرداخت می‌کنند. علاوه بر این ممکن است آن‌ها خدمات حسابرسی کمتری را تقاضا کنند تا به بازخورد اصلاحی گزارش‌های مالی کمتر واکنش دهند یا فرصت‌های مدیریت سود بیشتر شود. این غرور ناشی از بیش‌اعتمادی با تحقیقات قبلی سازگار است زیرا آن‌ها نشان می‌دهند که بیش‌اعتمادی مدیران باعث تعصب خوش‌بینانه در سود می‌شود (اسچراند و زچمن، ۲۰۱۲)، محافظه‌کاری حسابداری را کمتر می‌کند (احمد و دولمن، ۲۰۱۳)، مدیریت سود حقیقی را افزایش می‌دهد (سیه و همکاران، ۲۰۱۴) و احتمال تجدید ارائه سود را افزایش می‌دهد (پرسلی و ابات، ۲۰۱۳). چنانچه اثر ریسک گزارشگری مالی بر اثر غرور چیره شود، انتظار داریم رابطه مثبتی میان بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی وجود داشته باشد. برعکس، اگر اثر غرور بر اثر ریسک گزارشگری مالی چیره شود، رابطه منفی میان بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد.

با وجود اینکه رعایت قوانین حاکمیت شرکتی برای بکارگیری کمیته حسابرسی، حق‌الزحمه و سرپرستی حسابرسان و فرآیند حسابرسی ضروری است، تحقیقات اخیر حاکی از آن است که هنوز مدیران اثر معنی‌داری روی اداره فرآیند حسابرسی دارند. برای مثال کوهن و همکاران (۲۰۱۰) بر اساس مصاحبه با ۳۰ حسابرس خارجی دریافتند که مدیران همچنان به عنوان یک نیروی محرکه در انتصاب و عزل حسابرسان تأثیرگذار هستند. همچنین مدیران اجرایی اثر معنی‌داری روی حق‌الزحمه پرداختی به حسابرسان دارند همانطور که بک و مالدين (۲۰۱۴) دریافتند که در زمان مشکلات اقتصادی حق‌الزحمه‌های بزرگ حسابرسی به دلیل نفوذ مدیران کاهش می‌یابد.

با وجود توانایی مدیران برای اثرگذاری بر فرآیند حسابرسی، تحقیقات قبلی بیانگر منافع عظیم قدرت کمیته حسابرسی است. برای مثال، قدرت کمیته حسابرسی با کیفیت حسابرسی بالا (ابات و پارکر، ۲۰۰۰)، سطوح پایین‌تر اقلام تعهدی غیرعادی (کلین، ۲۰۰۲) و کیفیت افشا بهتر (کارامانو و وافاس، ۲۰۰۵) رابطه دارد. بنابراین تشکیل یک کمیته حسابرسی قوی از طریق بکارگیری حسابرسان داخلی قویتر و دقیقتر، می‌تواند ارزیابی حسابرس از ریسک مشتری را به طور موثر کاهش دهد و که این موضوع به نوبه خود رابطه مثبت

استانداردهای حسابرسی لازم می‌داند که حسابرسان در موقع ارزیابی ریسک حسابرسی نگرش مدیریت را در نظر بگیرند. ارزیابی مناسب از مدیریت مهم است، زیرا نگرش‌های مدیریت می‌تواند از طریق شکل دادن فرهنگ اخلاقی و اجتماعی شرکت بر ریسک حسابرسی آن اثرگذار باشد (COSO ۲۰۱۳). مطابق با ویژگی‌های عملی قیمت‌گذاری حسابرسان، حجم زیادی از تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که انگیزه‌هایی از مدیریت که مبتنی بر سهام است و باعث تغییر در ریسک‌پذیری می‌شود، بر حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار است (چن و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیلینگز و همکاران، ۲۰۱۴؛ فرقر و همکاران، ۲۰۱۴؛ کانان و همکاران، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۴). بعلاوه تحقیقات تجربی بسیاری غرور مدیران را در افزایش ریسک نگرش تقلب مشتری که توسط حسابرس ارزیابی شده، موثر می‌دانند (جانسون و همکاران، ۲۰۱۳). در این مقاله ادبیات موجود را از طریق بررسی ارتباط میان بیش‌اعتمادی مدیران (که یک ویژگی شخصیتی موثر بر ریسک‌پذیری است) و حق‌الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیش‌اعتمادی مدیران می‌تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی حسابرسان تأثیرگذار باشد، زیرا مدیران بیش‌اعتماد تمایل دارند جریان‌های نقدی آتی پروژه‌ها را بیش از اندازه برآورد کنند و در مقابل احتمال کلی و رویدادهای احتمالی را کمتر برآورد می‌کنند (هیتن، ۲۰۰۲؛ مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که مدیران بیش‌اعتماد، کمتر از حسابداری محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند (احمد و دولمن، ۲۰۱۳)، باتوجه به تعصب خوش‌بینانه نسبت به سود، سود را نادرست اظهار می‌کنند (اسچراند و زچمن، ۲۰۱۲)، صورت‌های مالی را تجدید ارائه می‌کنند (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳)، مدیریت سود حقیقی را بکارمی‌گیرند (سیه و همکاران، ۲۰۱۴) و کنترل‌های داخلی بی‌اثر را حفظ می‌کنند (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

با وجود افزایش ریسک تحریف با اهمیت مالی ناشی از بیش‌اعتمادی مدیران، شواهد کمی مبنی بر شناسایی ویژگی‌های نشان‌دهنده بیش‌اعتمادی مدیران توسط حسابرسان و همچنین ارتباط میان بیش‌اعتمادی مدیران با افزایش ریسک حسابرسی وجود دارد. انتظار داریم چنانچه حسابرسان بیش‌اعتمادی مدیران را در نظر بگیرند، این عامل ریسک را در طرح حسابرسی خود وارد کنند و برای تلاش‌های اضافی به منظور کاهش ریسک اکتشاف، حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش

میان حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران را کاهش دهد.

بالعکس، کمیته حسابرسی قوی می‌تواند از دخالت مدیران در فرآیند حسابرسی یا اکتیو خدمات حسابرسی بیشتر به منظور تهاوت ریسک‌های منتسب به بیش‌اعتمادی مدیران جلوگیری کند. سازگار با این ادعا که کمیته حسابرسی قوی، نفوذ مدیریت را کاهش می‌دهد؛ دهالیوال و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی قوی کمتر حسابرسان وابسته به مدیران را استخدام می‌کنند. بنابراین کمیته حسابرسی قوی می‌تواند رابطه منفی میان بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی ناشی از اثر غرور مدیریت را کاهش دهد.

پژوهش ما از چند طریق به این ادبیات کمک می‌کند. اولاً با این پژوهش برای اولین بار رابطه منفی میان یک ویژگی شخصیتی مدیریت (یعنی بیش‌اعتمادی مدیران) و حق‌الزحمه حسابرسان مستند می‌شود. این موضوع به درک ما از تأثیر نگرش مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرس می‌افزاید. همچنین این پژوهش تحقیق اخیر اسپراند و زچمن، (۲۰۱۲) و پرسلی و ابات، (۲۰۱۳) در زمینه تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر اظهار نادرست سود را تکمیل می‌کند زیرا ممکن است کاهش خدمات حسابرسی باعث شود این فعالیت‌ها کشف نشده باقی بمانند. دوماً پژوهش ما مطالعات قبلی در زمینه نقش کمیته حسابرسی روی اثر غرور ناشی از بیش‌اعتمادی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی را گسترش می‌دهد. در کل این یافته‌ها برای ارزیابی ریسک مرتبط با بیش‌اعتمادی مدیران به حسابرسان کمک می‌کند و همچنین برای ارزیابی کیفیت گزارش‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های دارای مدیران بیش‌اعتماد توسط سرمایه‌گذاران مفید است. بعلاوه یافته‌های ما تحقیقات قبلی مبنی بر منافع کمیته حسابرسی قوی را تکمیل می‌کند.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- بیش‌اعتمادی مدیران

یکی از توره‌های رفتاری که افراد به آن مبتلا هستند بیش‌اعتمادی است. بیش‌اعتمادی باعث می‌شود که انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد، و ریسک را کمتر از حد تخمین بزند. این توره رفتاری همچنین باعث می‌شود که احساس کنیم روی مسائل کنترل داریم؛ درحالی‌که ممکن است در واقع این‌گونه نباشد. نکته قابل توجه این است که هرچه دانش و مهارت فرد در حوزه‌ای بیشتر باشد، اعتماد فرد به دانش خود نیز بیشتر خواهد شد. درست از همین روست که

تحلیل‌های اقتصادی برخی از اقتصاددانان نسبت به تحلیل‌های برخی مردم عادی بسیار دورتر از واقعیت است. آن‌ها با اطمینان از اشتباه خود سخن می‌گویند و شکی در گفته‌های خود ندارند. این از خصوصیات مهم این توره رفتاری است و به همین دلیل گفته می‌شود که و بیش‌اعتمادی آموختنی است و به خودی خود در افراد وجود ندارد (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۱).

مدیران بیش‌اعتماد نیز تمایل دارند بازده سرمایه‌گذاری‌ها را بیش از اندازه و احتمال و دامنه تغییرات شوک‌های منفی را کمتر از اندازه برآورد کنند. برای مثال اسپراند و زچمن (۲۰۱۲) دریافتند که یک تعصب خوش‌بینانه اولیه در سود هرچند عمدی نباشد، می‌تواند منجر به ارائه نادرست سود دوره آتی توسط مدیران بیش‌اعتماد شود. علاوه بر این پژوهش‌های اخیر بیش‌اعتمادی مدیران را با حسابداری محافظه‌کارانه کمتر (احمد و دوالمن، ۲۰۱۳؛ فروغی و همکاران، ۱۳۹۳)، افزایش احتمال تعصب خوش‌بینانه نسبت به سود (اسپراندوزچمن، ۲۰۱۲؛ علی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳)، مدیریت سود واقعی (سیه همکاران، ۲۰۱۴)، کنترل‌های داخلی بی‌اثر (چن و همکاران، ۲۰۱۴)، تجدید ارائه مالی (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳)، حساسیت سرمایه‌گذاری (عربصالحی و همکاران، ۱۳۹۳) و اجتناب مالیاتی (عربصالحی و هاشمی، ۱۳۹۴) مرتبط دانسته‌اند.

۲-۲- حق‌الزحمه حسابرسی

حق‌الزحمه حسابرسی از طریق ارزیابی ریسک حسابرس از مشتری، رقابت بازار حسابرسی و مذاکرات فی مابین حسابرسان و مشتریان تعیین می‌شود. در زمان طراحی کار حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، حسابرسان ارزیابی ریسک مشتری شامل صلاحیت مدیران، محیط سازمانی مناسب، در معرض ریسک بودن حساب‌ها و افشانات نادرست را انجام می‌دهند. این عوامل بر توانایی حسابرس برای کشف اشتباهات مهم در صورت‌های مالی اثر می‌گذارد. معمولاً حسابرسان به منظور کاهش ریسک تقلب، شواهد حسابرسی بیشتری را جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع نیز بهای حسابرسی را افزایش می‌دهد. می‌توان این افزایش هزینه را بر اساس رقابت بازار حسابرسی و تعادل قدرت چانه‌زنی بین حسابرس و مشتری به تأیید مشتری رساند. در تأیید این ادعا سیمونیک (۱۹۸۰) نشان داد که وقتی ریسک اجرای حسابرسی بالا باشد، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کند. بعلاوه این رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و ریسک مشتری در ادبیات تجربی به خوبی تحقیق شده‌است (اکافه و همکاران، ۱۹۹۴؛ بل

و همکاران، ۲۰۰۱؛ هوگان و ویلگینز، ۲۰۰۸؛ نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ کریشنان و همکاران، ۲۰۱۲).

۳-۲- حق الزحمه حسابداری و اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی

ریسک گزارشگری مالی یکی از مهمترین عوامل ریسک است که بر قیمت حسابداری اثرگذار می‌باشد. تحقیقات قبلی بیانگر این موضوع است که تلاش‌های طراحی شده حسابرسان و نرخ‌های صورتحساب‌ها با ریسک مدیریت سود مشتری افزایش می‌یابد (گول و همکاران، ۲۰۰۳؛ بدرد و جانستون، ۲۰۰۴). بعلاوه انگیزه‌های سهام بر ریسک گزارشگری مالی شرکت تأثیر می‌گذارد (آرمرسترون و همکاران، ۲۰۱۳) بنابراین ریسک ایجاد کننده (کاهش دهنده) انگیزه‌های مبتنی بر پاداش مدیران با حق الزحمه حسابداری رابطه مثبت (منفی) دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۳؛ بیلینگز و همکاران، ۲۰۱۴؛ فرگر و همکاران، ۲۰۱۴؛ کانان و همکاران، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۴؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۳).

همانطور که مدیران بیش‌اعتماد تمایل دارند بازده سرمایه‌گذاری‌ها را بیش از اندازه و احتمال و دامنه تغییرات شوک‌های منفی را کمتر از اندازه برآورد کنند، آن‌ها ممکن است موجب افزایش ریسک گزارشگری مالی شوند. برای مثال اسپراند و زچمن (۲۰۱۲) دریافتند که یک تعصب خوش‌بینانه اولیه در سود هرچند عمدی نباشد، می‌تواند منجر به ارائه نادرست سود دوره آتی توسط مدیران بیش‌اعتماد شود. در تأیید ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی مدیران توسط حسابرسان، جانسون و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که در یک محیط تجربی خودشیفتگی مدیران با ارزیابی ریسک حسابرسان رابطه مثبت دارد. بنابراین چنانچه حسابرسان ویژگی شخصیتی بیش‌اعتمادی مدیران را به رسمیت بشناسند و ریسک گزارشگری مالی منتسب به بیش‌اعتمادی مدیران افزایش یابد، ممکن است آن‌ها برای تلاش‌های حسابداری بیشتری که برای کاهش ریسک اکتشاف نیاز است حق الزحمه بیشتری مطالبه کنند.

از طرفی حسابرسان محصول متمایزی ایجاد می‌کنند به طوری که مشتریان تا حدودی می‌توانند در تعیین حسابرسان، دامنه رسیدگی حسابرسان و برخی ابعاد کیفیت حسابداری نقش داشته‌باشند (بال و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات نشان داده که حق الزحمه حسابداری رابطه مثبتی با ساعات کار حسابداری دارد (بل و همکاران، ۲۰۰۱) و اغلب مدیران با حسابرسان درباره طرح حسابداری مذاکره می‌کنند تا حق الزحمه حسابداری کمتری پرداخت نمایند (امبی و

داویدسون، ۱۹۹۸). مدیران بیش‌اعتماد می‌توانند با حسابرسان درباره دامنه رسیدگی مذاکره کنند تا حق الزحمه حسابداری بسیار کمتری پرداخت کنند، زیرا آن‌ها از گزارشگری مالی شرکت خود اطمینان دارند و نظرات اصلاحی حسابرسان برای آن‌ها به اندازه مدیران فاقد بیش‌اعتماد ارزش ندارد.

علاوه بر این مدیران بیش‌اعتماد با کاهش دامنه رسیدگی و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابداری می‌توانند باعث کاهش رسیدگی حسابرسان به روش‌های حسابداری تهاجمی آن‌ها شوند. مطابق با تقاضای کمتر مدیران بیش‌اعتماد برای خدمات حسابداری، پژوهش‌های اخیر بیش‌اعتمادی مدیران را با حسابداری محافظه‌کارانه کمتر (احمد و دوالمن، ۲۰۱۳؛ فروغی و همکاران، ۱۳۹۳)، افزایش احتمال تعصب خوش‌بینانه نسبت به سود (اسپراندوزچمن، ۲۰۱۲؛ علی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳)، مدیریت سود واقعی (سیه و همکاران، ۲۰۱۴)، کنترل‌های داخلی بی‌اثر (چن و همکاران، ۲۰۱۴)، تجدید ارائه مالی (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳)، حساسیت سرمایه‌گذاری (عربصالحی و همکاران، ۱۳۹۳) و اجتناب مالیاتی (عربصالحی و هاشمی، ۱۳۹۴) مرتبط دانسته‌اند. به علاوه بلانکلی و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که در دوره قبل از تجدید ارائه صورت‌های مالی حق الزحمه حسابداری به طور غیرعادی کاهش می‌یابد. این کاهش غیرعادی حق الزحمه حسابداری می‌تواند بیانگر کاهش رسیدگی حسابرسان یا برآورد کمتر از حد ریسک مشتری توسط حسابرسان باشد. بنابراین غرور مدیران بیش‌اعتماد ممکن است باعث شود مدیران حق الزحمه حسابداری کمتری را تقاضا کنند.

با وجود اینکه قوانین حاکمیت شرکتی برای تعیین حقوق و دستمزد و اشتباه حسابرسان، کمیته حسابداری را به تنهایی مسئول می‌داند؛ تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که هنوز مدیران در استخدام حسابرسان و فرآیند مذاکره نقش مهمی دارند (بیسلی و همکاران، ۲۰۰۹؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۰؛ کوهن و همکاران، ۲۰۱۱؛ فیولنو و همکاران، ۲۰۱۳؛ هالیوال و همکاران، ۲۰۱۴؛ بک و مالدين، ۲۰۱۴). یک تفسیر احتمالی این است که مدیر عامل شرکت می‌تواند مدیری را منصوب کند که از سیاست‌های گزارشگری مالی او حمایت کند. این روابط اجتماعی نیز در حال حاضر در کمیته حسابداری وجود دارد به طوری که بروین‌سیلز و کاردینالز (۲۰۱۴) دریافتند که در حدود ۳۹٪ از شرکت‌های نمونه خود، روابط اجتماعی قوی بین مدیر عامل و اعضای کمیته حسابداری وجود دارد. برخلاف قوانین حاکمیت شرکتی که روابط اجتماعی اعضای کمیته حسابداری با مدیر عامل می‌تواند به طور کامل مستقل باشد، بروینز و کاردینالز (۲۰۱۴) دریافتند که ممکن است به دلیل

با دخالت مدیران در فرآیند حسابرسی را کاهش دهند، انتظار داریم کمیته حسابرسی قوی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران را تعدیل کند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- روش تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آماری

این پژوهش به دنبال بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای عملیاتی بخشی از شرکت‌های نمونه است و نوع داده‌های آن‌ها پس‌رویدادی است و چون پژوهشگر به منظور سنجش آثار متغیرها روی متغیر دیگر، قصد دستکاری در متغیرها را ندارد، نوع پژوهش توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری مورد بررسی کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد و نمونه انتخابی کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ دارای شرایط زیر را شامل می‌شود و بقیه حذف گردیدند.

- (۱) سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
- (۲) در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداشته باشند.
- (۳) اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق در مورد آن‌ها وجود داشته باشد.

(۴) جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی (بانک‌ها و لیزینگ) نباشند.

(۵) شرکت‌ها زیان گزارش نکرده باشند.

(۶) با در نظر گرفتن شرایط فوق، ۷۳ شرکت برای دوره ۸۴ تا ۹۳ مورد بررسی قرار گرفت.

روش جمع‌آوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری موضوع پژوهش روش کتابخانه‌ای می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزارهای Excel، Eviews 8 و Stat12 استفاده شده‌است.

۳-۲- تعریف متغیرهای پژوهش

۳-۲-۱- بیش‌اعتمادی مدیران

تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت حاوی اطلاعاتی درباره میزان بیش‌اعتمادی مدیران است (کمبل و همکاران، ۲۰۱۱). بن‌دیوید و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که مخارج سرمایه‌ای شرکت‌های دارای مدیران بیش‌اعتماد، بیشتر از سایر شرکت‌هاست. به علاوه مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) نشان دادند که مدیران بیش‌اعتماد در پروژه‌های سرمایه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند. این معیار، به استناد پژوهش بن‌دیوید و همکاران و مالمندیر و تیت، یک متغیر ساختگی بوده که در صورتی که نسبت مخارج سرمایه‌ای شرکت i در دوره مالی t بیشتر از میانه

تقاضای خدمات حسابرسی کمتر کمیته حسابرسی روی فرآیند حسابرسی نظارت کافی نداشته باشد و احتمال زیادی وجود دارد که اقدام به مدیریت سود نمایند و اظهار نظری درباره تداوم فعالیت ارائه نشود.

اثر ریسک گزارشگری مالی ناشی از بیش‌اعتمادی مدیران، رابطه مثبتی بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی پیش‌بینی می‌کند در حالی که اثر غرور مدیران بیش‌اعتماد رابطه منفی بین بیش‌اعتمادی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی پیش‌بینی می‌کند.

۲-۴- حق‌الزحمه حسابرسی، بیش‌اعتمادی مدیران و نظارت کمیته حسابرسی

اسچرند و زچمن (۲۰۱۲) و احمد و دوالمن (۲۰۱۳) نقش مکانیزم‌های حاکمیتی را بر اثرات منفی تحمیلی ناشی از بیش‌اعتمادی مدیران را بررسی کرده‌اند اما شواهدی مبنی بر اثر تعدیلی هیئت مدیره قوی بر اثرات منفی بیش‌اعتمادی مدیران روی ویژگی‌های گزارشگری مالی پیدا نکرده‌اند. در این مطالعه نقش کمیته حسابرسی را در نظارت بر انتخاب حسابرس و فرآیند حسابرسی بررسی کرده‌ایم. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که کمیته حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳)، انتخاب حسابرسان با کیفیت بالاتر (ابوت و پارکر، ۲۰۰۰)، سطوح پایین‌تر اقلام تعهدی غیرعادی (کلین، ۲۰۰۲)، هزینه بدهی پایین‌تر (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴)، کیفیت افشای بهتر (کارامانو و همکاران، ۲۰۰۵)، سیستم کنترل داخلی موثر (نیکر و شارما، ۲۰۰۹)، بهبود کیفیت گزارشگری مالی (کوهن و همکاران، ۲۰۱۳)، سطح افشای داوطلبانه اخلاق (رویایی و همکاران، ۱۳۹۴)، جلب نظر سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری (طالب‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹) و هموارسازی سود (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۱) ارتباط دارد.

نقش منحصر بفرد کمیته حسابرسی در فرآیند حسابرسی شرکت ممکن است آن را قادر سازد تا بتواند نقش پررنگتری در جلوگیری از نفوذ مدیران روی حق‌الزحمه حسابرسی ایفا کند. در تأیید این ادعا، دالیوال و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که کمیته حسابرسی قوی رابطه بین استخدام حسابرس وابسته به مدیریت و تمایل کمتر به اظهار نظر درباره تداوم فعالیت شرکت را تعدیل می‌کند. به طور مشابه بک و مالدین (۲۰۱۴) مستند کردند که در طول دوران بحران اقتصادی و بحران مالی، در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی قویتر حق‌الزحمه کوچکتر کاهش می‌یابد. از آنجا که تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که کمیته حسابرسی قوی می‌تواند نتایج منفی مرتبط

H1a: به دلیل غلبه اثر ریسک گزارشگری مالی بر اثر غرور مدیران، بیش‌اعتمادی مدیران با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مثبت دارد.

H1b: به دلیل غلبه اثر غرور مدیران بر اثر ریسک گزارشگری مالی، بیش‌اعتمادی مدیران با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی دارد.

در مواردی که رابطه مثبتی بین حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران وجود دارد، ممکن است حسابرسان به دلیل کمیته حسابرسی قوی، ریسک حسابرسی را پایین برآورد کنند که به حق‌الزحمه پایین‌تر منجر می‌شود. در مواردی که رابطه منفی بین حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران وجود دارد، کمیته حسابرسی قوی پوشش حسابرسی بیشتری را تقاضا خواهد کرد که به حق‌الزحمه بیشتری منجر می‌شود و یا از دخالت مدیران بیش‌اعتماد جلوگیری می‌کند. از آنجا که ما از قبل نمی‌توانیم درباره غلبه اثر ریسک گزارشگری مالی بر اثر غرور مدیریت یا بلعکس روی رابطه حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران پیش‌بینی کنیم، دو فرضیه جایگزین زیر ارائه می‌شود:

H1a: کمیته حسابرسی قوی رابطه مثبت بین بیش‌اعتمادی مدیران با حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند.

H1b: کمیته حسابرسی قوی رابطه منفی بین بیش‌اعتمادی مدیران با حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌کند.

۴- مدل و نتایج پژوهش

۴-۱- مدل پژوهش

مدل رگرسیون زیر را برای بررسی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و بیش‌اعتمادی مدیران استفاده می‌کنیم:

$$\text{Audit Fees}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{it} + \beta_2 \text{Strong AC}_{it} + \beta_3 \text{Overcon}_{it} * \text{Strong AC}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{AR_INV}_{it} + \beta_7 \text{MTB}_{it} + \beta_8 \text{Leverage}_{it} + \beta_9 \text{cash}_{it} + \varepsilon_{it}$$

Audit Fees: لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه پرداخت شده به حسابرسان بابت خدمات حسابرسی.

Overcon: معیار اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیران است که در بخش ۱، ۲، ۳ توضیح داده شد.

Strong AC: معیار اندازه‌گیری قدرت کمیته حسابرسی است که در بخش ۲، ۳، ۴ توضیح داده شد.

Size: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان سال مالی است.
ROA: سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر کل دارایی‌ها می‌باشد.

نسبت مخارج سرمایه‌ای همان دوره شرکت‌های صنعت مربوطه عضو نمونه باشد، بیانگر بیش‌اعتمادی مدیران بوده و CAPEX_{it} ، عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را اختیار می‌نماید. احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) این معیار را برای بررسی رابطه منفی بین مدیران بیش‌اعتماد و محافظه‌کاری حسابداری استفاده کرده است. نسبت مخارج سرمایه‌ای شرکت در سال t بر اساس رابطه (۶)، از تقسیم مخارج سرمایه‌ای به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال $t-1$ ، محاسبه می‌شود.

$$(C/A)_t = \frac{C.E.t}{TA_{t-1}}$$

که در این رابطه:

$C.E.t$: مخارج سرمایه‌ای، مبالغی که صرف خرید یا بهبود و ارتقای دارایی‌های مولد مانند ماشین‌آلات، ساختمان‌های تجاری و تولیدی، وسایل نقلیه و غیره در سال t می‌شود و بر اساس مطالعه لولن و بدریناس (۱۹۹۷)، از تفاوت خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت در ابتدا و پایان دوره به علاوه هزینه استهلاک محاسبه می‌گردد.
 TA_{t-1} : کل دارایی‌ها در پایان سال $t-1$.

۳-۲- نظارت کمیته حسابرسی

برای اندازه‌گیری قدرت کمیته حسابرسی دو معیار در نظر گرفته می‌شود: (۱) استقلال کمیته حسابرسی از هیأت مدیره، (۲) سطح تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی. دلیل این که این دو عامل را در نظر گرفته شده است این بود که ابوت و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که در شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی از هیأت مدیره مستقل است و حداقل یک متخصص مالی در آن‌ها وجود دارد تمایل دارند حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت کنند. اندازه‌گیری کیفیت سیستم نظارت دشوار است زیرا مکانیزم‌های مختلفی می‌توانند به صورت جایگزین عمل کنند (کروهمکاران، ۱۹۹۹). بنابراین تعریف گسترده‌ای از کمیته حسابرسی قوی بکار گرفته می‌شود تا ابعاد مختلف نظارت در نظر گرفته شده است. Strong AC متغیر مجازی بوده که در صورتی که امتیاز شرکت i در دوره مالی t بیشتر از میانه همان دوره شرکت‌های نمونه باشد، بیانگر کمیته حسابرسی قوی بوده و Strong AC_{it} ، عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را اختیار می‌نماید.

۳-۲-۳- فرضیه‌ها

با توجه به اینکه ممکن است حسابرسان به دلیل بیش‌اعتمادی مدیران ریسک بیشتری شناسایی کنند و همچنین مدیران بیش‌اعتماد خواهان حق‌الزحمه حسابرسی کمتری باشند، دو فرضیه جایگزین زیر ارائه می‌شود:

است و چنانچه $\beta_1 + \beta_3$ به طور معنی‌داری مخالف β_1 باشد فرضیه دوم تأیید می‌شود.

۴-۲- نتایج پژوهش

قبل از این که به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به صورت خلاصه در جدول ۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این جدول آمار توصیفی مربوط به متغیرها برای ۷۳ شرکت عضو نمونه، طی ۱۰ سال نشان داده شده‌است.

۴-۳- یافته‌های پژوهش

مدل‌های تصریح شده برای ۷۳ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۴ به روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی و شیوه داده‌های ترکیبی استفاده شده و سپس به منظور انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر استفاده شد. با توجه به اینکه P-Value به دست آمده از آزمون F لیمر کوچکتر از ۰.۵٪ بود، به منظور برآورد این مدل برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از شیوه داده‌های تابلویی استفاده شد. سپس برای تعیین اینکه الگوی مورد استفاده در آزمون فرضیه‌ها، در قالب کدام یک از روش‌های اثرهای ثابت یا اثرهای تصادفی انجام شود، آزمون هاسمن انجام شد. نتایج این آزمون بیانگر این است که باید از روش اثرات ثابت برای برآورد مدل استفاده شود. برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون hettest در stata استفاده شد که نتایج حاکی از وجود ناهمسانی واریانس می‌باشد که برای تصحیح خطای استاندارد ضرایب برآورد شده از روش White cross section استفاده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۲) نشان داده شده است.

AR_INV: مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی تقسیم بر کل دارایی‌ها می‌باشد.

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت در پایان سال مالی است.

Leverage: کل بدهی بلندمدت تقسیم بر کل دارایی‌ها می‌باشد.

Loss: متغیر ساختگی است به طوری که اگر شرکت در سال جاری یا دو سال قبل زیان گزارش کرده باشد مقدار ۱ را می‌گیرد در غیر اینصورت مقدار صفر را اختیار می‌کند.

Cash: وجه نقد و معادل وجه نقد تقسیم بر کل دارایی‌ها می‌باشد.

متغیرهایی کنترلی استفاده شده در این پژوهش، در ادبیات موجود مرتبط با تعیین حق‌الزحمه حسابرسی موجود بوده‌اند (برای مثال چارلز و همکاران، ۲۰۱۰؛ فانگ و همکاران، ۲۰۱۲). اندازه شرکت Size کنترل می‌شود زیرا اندازه شرکت بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر به سزایی دارد. ROA را متغیر کنترلی در نظر گرفته می‌شود زیرا سودآوری بالاتر به ریسک حسابرسی پایین‌تر منجر می‌شود (های و همکاران، ۲۰۰۶).

AR_INV و Cash به دلیل ریسک ذاتی حسابرسی برای دارایی‌های جاری کنترل می‌گردد. نسبت ارزش بازار به دفتری به این دلیل کنترل می‌شود که گزینه‌های رشد شرکت می‌تواند بر قیمت‌گذاری حسابرسی تأثیرگذار باشد. Leverage کنترل می‌شود زیرا افزایش بدهی، احتمال دعوی مشتری و به نوبه خود ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد (سیمونیک، ۱۹۸۰).

β_1 بیانگر ضریب تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران است و چنانچه به طور معنی‌داری مثبت باشد H1a تأیید می‌شود و اگر به طور معنی‌داری منفی باشد H1b تأیید می‌گردد. β_3 نیز ضریب تأثیر کمیته حسابرسی قوی بر اثر بیش‌اعتمادی مدیران

جدول شماره ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میان	ماکسیمم	مینیمم	چولگی	کشیدگی	آماره جارگ-برا	سطح احتمال
Audit Fees	۶,۰۷	۵,۹۷	۹,۴۳	۲,۷۱	۰,۶۱	۴,۱۹	۸۹,۱۴	۰,۰۰۰۰
Overcon	۰,۴۵	۰,۰۰	۱	۰,۰۰	۰,۱۹	۱,۰۴	۱۲۱,۵۴	۰,۰۰۰۰
Comit	۰,۱۲	۰,۰۰	۱	۰,۰۰	۲,۳۳	۶,۴۲	۱۰۱۴	۰,۰۰۰۰
Size	۱۳	۱۳,۰۷	۱۶,۴۴	۹,۴۳	-۰,۰۰۶	۳,۲۸	۲,۳۹	۰,۳۰
ROA	۱۰,۶۱	۹,۴۹	۶۳,۰۹	-۵۸,۱۶	-۰,۰۲	۶,۲۷	۳۲۵,۷۶	۰,۰۰۰۰
AR_INV	۰,۶۱	۰,۵۷	۵,۸۰	۰,۰۰	۵,۵۳	۵۱,۳۲	۷۴۶۳۶,۱۶	۰,۰۰۰۰
MTB	۲۸۲,۵۸	۱۴۱,۶۳	۷۴۵۹,۱۲	-۱۷۷۰,۶۰	۵,۱۶	۵۸,۵۵	۹۶۹۷۸,۲	۰,۰۰۰۰
Leverage	۰,۶۶	۰,۶۵	۱,۸۵	۰,۱۵	۱,۱۸	۸,۱۰	۹۶۰,۴۸	۰,۰۰۰۰
CASH	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۴۶	۰,۰۰	۳,۱۵	۱۹,۱۰	۹۰۷۶,۵۰	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق و بر اساس نرم‌افزار EViews 8

جدول شماره ۲

$\text{Audit Fees}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overcon}_{i,t} + \beta_2 \text{Strong AC}_{i,t} + \beta_3 \text{Overcon}_{i,t} * \text{Strong AC}_{i,t} + \beta_4 \text{Size}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{AR_INV}_{i,t} + \beta_7 \text{MTB}_{i,t} + \beta_8 \text{Leverage}_{i,t-1} + \beta_9 \text{cash}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$			
P-value	آماره t	ضرایب	
۰,۰۰۰۴	-۳,۵۹	-۳,۰۳	β_0
۰,۰۰۳۲	-۲,۷۴	-۰,۰۵۸	β_1
۰,۰۰۰۳	۳,۶۰	۰,۲۷	β_2
۰,۴۴	۰,۱۶	۰,۰۱۲	β_3
۰,۰۰۰۰	۱۰,۵۰	۰,۶۷	β_4
۰,۳۰	-۱,۰۴۷	-۰,۰۰۲	β_5
۰,۰۷	۱,۸۱	۰,۰۶	β_6
۰,۱۳	۱,۵۳	۰,۰۰۰۱۲	β_7
۰,۰۲	۲,۳۷	۰,۳۳	β_8
۰,۰۰۴	۲,۹۲	۱,۳۴	β_9
۱,۷۲	دوربین واتسون	۰,۶۹	ضریب تعیین تعدیل شده
۰,۰۰۰۰	P-Value	۲۰,۹۸	آماره F

۵- نتیجه‌گیری و بحث

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی است. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۱۰۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۳ بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهد که بیش‌اعتمادی مدیران تأثیر منفی بر حق‌الزحمه حسابرسی دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که اثر غرور مدیران بر اثر ریسک گزارشگری مالی، غلبه می‌کند و مدیران بیش‌اعتماد به دلیل غرور ناشی از بیش‌اعتمادی کاذب به گزارشگری مالی شرکت خود یا رسیدگی کمتر به حسابداری تهاجمی پنهان خود، خدمات حسابرسی کمتری تقاضا کنند و بنابراین حق‌الزحمه کمتری بابت حسابرسی پرداخت کنند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق اسکات دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) سازگار است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی قوی نمی‌تواند این اثر منفی را تعدیل کند و این بدان دلیل است که قدمت تشکیل کمیته حسابرسی بیش از سه سال نمی‌باشد و این کمیته هنوز مطابق انتظارات ایفای نقش نمی‌کند. همچنین چون این کمیته تحت نفوذ مدیر عامل است نمی‌تواند نقش موثری کنده‌ای در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی داشته باشد و هنوز مدیران اثر معنی‌داری روی اداره فرآیند حسابرسی دارند. یافته‌های پژوهش با نتایج تحقیق اسکات دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) و اسپراند و زچمن (۲۰۱۲) و احمد و دوئلن (۲۰۱۳) و فروغی و همکاران (۱۳۹۳) سازگار است.

همان‌گونه که نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد، P-Value محاسبه شده برای متغیر بیش‌اعتمادی مدیران کمتر از سطح خطای ۵٪ است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌اعتمادی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد. از سوی دیگر، ضریب برآورد شده برای متغیر بیش‌اعتمادی مدیران در سطح خطای ۱٪ منفی است، یعنی بیش‌اعتمادی مدیران، به دلیل غلبه اثر غرور مدیران بر اثر ریسک گزارشگری مالی حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد. بنابراین با توجه به نتایج مندرج در جدول (۲) و در سطح اطمینان ۹۹٪، فرضیه نخست این پژوهش رد نخواهد شد.

اگرچه رابطه بین کمیته حسابرسی قوی و حق‌الزحمه حسابرسی مثبت و معنی‌دار است و ضریب $CAPEX * Strong AC$ نیز مثبت است اما معنادار نمی‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که طبق مبانی تئوریک مشروح در مقاله، کمیته حسابرسی قوی می‌تواند این رابطه را تعدیل کند ولی از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرضیه دوم در سطح خطای ۹۵٪ رد می‌شود. به عبارت دیگر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های با مدیران بیش‌اعتماد و دارای کمیته حسابرسی قوی با شرکت‌های با مدیران بیش‌اعتماد و فاقد کمیته حسابرسی قوی تفاوت معناداری ندارد.

فهرست منابع

- های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ش ۱۶، صص ۴۳-۶۰.
- * نیک‌بخت، محمد رضا و تنانی، محسن. (۱۳۸۹). "آزمون عوامل موثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره دوم (۴)، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- * Abbott, L.J., Parker, S., 2000. Auditor selection and audit committee characteristics. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 19 (2), 47-66.
- * Abbott, L.J., Parker, S., Peters, G.F., Raghunandan, K., 2003. The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 22 (2), 17-32.
- * Ahmed, A.S., Duellman, S., 2007. Accounting conservatism and board of director characteristics: an empirical analysis. *Journal of Accounting and Economics* 43 (2-3), 411-437.
- * Ahmed, A., Duellman, S., 2013. Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research* 51 (1), 1-30.
- * Barua, A., Rama, D., Sharma, V.D., 2010. Audit committee characteristics and investment in internal auditing. *Journal of Accounting and Public Policy* 29 (5), 503-513.
- * Beasley, M., Carcello, J., Hermanson, D., Neal, T., 2009. The audit committee oversight process. *Contemporary Accounting Research* 26 (1), 65-122.
- * Beck, M. J., Mauldin, E. G., 2013. Who's really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *The Accounting Review*, forthcoming.
- * Bierstaker, J.L., Cohen, J.R., DeZoort, F.T., Hermanson, D.R., 2012. Audit committee compensation, fairness, and the resolution of accounting disagreements. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 31 (2), 131-150.
- * Billings, B.A., Gao, X., Jia, Y., 2014. CEO and CFO equity incentives and the pricing of audit services. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 33 (2), 1-25.
- * Campbell, T.C., Galleyer, M., Johnson, S.A., Rutherford, J., Stanley, B.W., 2011. CEO optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics* 101 (3), 695-712.
- * Carcello, J., Neal, T., 2003. Audit committee characteristics and auditor dismissals following "new" going-concern reports. *The Accounting Review* 78 (1), 95-117.
- * Chen, S., Lai, S., Liu, C., McVay, S., 2014. Overconfident managers and internal controls. Working paper, National Taiwan University and University of Washington.
- * Chen, Y., Gul, F. A., Veeraraghavan, M., Zolotoy, L., 2013. Executive equity risk-taking incentives and audit service pricing. Working paper, Monash University and University of Melbourne.
- * Cohen, J., Krishnamoorthy, G., Wright, A., 2010. Corporate governance in the post-sarbanes-oxley era: auditors' experiences. *Contemporary Accounting Research* 27 (3), 751-786.
- * سوری، علی. (۱۳۹۳). اقتصادسنجی همراه با کاربرد Eviews8 & Stata12، نشر فرهنگ‌شناسی. جلد ۲ صص ۹۰۸-۹۲۸.
- * رویایی، رمضانعلی و ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، ش ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون؛ زندیه، وحید؛ (۱۳۹۱)؛ "مالی رفتاری و مالی عصبی (پارادایم نوین مالی) از تئوری تا عمل"؛ دانشگاه آزاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات.
- * سپاسی، سحر و کاظم‌پور، مرتضی. (۱۳۹۲). "تأثیر وجود کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس"، بازار سرمایه. طالب‌نیا، قدرت‌اله و وکیلی‌فرد، حمیدرضا و شهسوار، منصوره. (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر جلب نظر سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله حسابداری مدیریت، ش ۴، صص ۳۵-۴۸.
- * عرب‌صالحی، مهدی و امیری، هادی و کاظمی‌نوری، سپیده. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری - جریان‌های نقدی"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۲۰، صص ۱۱۵-۱۲۸.
- * عرب‌صالحی، مهدی و هاشمی، مهدی. (۱۳۹۴). "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، ش ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
- * علی‌نژاد ساروکلانی، مهدی و صبحی، علی. (۱۳۹۳). "تأثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران، شرکت دانش محور ارتاخه.
- * فروغی، داریوش و نخبه فلاح، زهرا. ۱۳۹۳. "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۱۹، صص ۲۷-۴۴.
- * مهدوی، غلامحسین و حسینی، سید مجتبی و رئیس‌ی، مجتبی. (۱۳۹۱). "تأثیر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود پیش‌بینی شده به وسیله مدیریت شرکت

- * Simon, D.T., Francis, J.R., 1988. The effects of auditor change on audit fees: tests of price cutting and price recovery. *The Accounting Review* 63 (2), 255-269.
- * Simunic, C.A., 1980. The pricing of audit services: theory and evidence. *Journal of Accounting Research* 181, 132-160
- * Cohen, J., Gaynor, L.M., Krishnamoorthy, G., Wright, A., 2011. The impact of auditor judgments of CEO influence on audit committee independence. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 30 (4), 129-147.
- * Cohen, J., Hoitash, U., Krishnamoorthy, G., Wright, A., 2013. The effect of audit committee industry expertise on monitoring the financial reporting process. *The Accounting Review* 89 (1), 243-273.
- * COSO, 2013. Internal Control – Integrated Framework: Executive summary. www.coso.org.
- * Dhaliwal, D., Lamoreaux, P., Lennox, C., Mauler, L., 2014. Management influence on auditor selection and subsequent impairments of auditor independence during the post-SOX period. *Contemporary Accounting Research*, forthcoming.
- * Fargher, N., Jiang, A., Yu, Y., 2014. How do auditors perceive CEO's risk-taking incentives? *Accounting and Finance*, forthcoming.
- * Heaton, J. B., 2002. Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management* 31, 33-45.
- * Hirshleifer, D., Low, A., Teoh, S.H., 2012. Are overconfident CEOs better innovators? *Journal of Finance* 67 (4), 1457-1498.
- * Hogan, C., Wilkins, M., 2008. Evidence on the audit risk model: do auditors increase audit fees in the presence of internal control deficiencies? *Contemporary Accounting Research* 25 (1), 219-242.
- * Johnson, E., Kuhn, J.R., Apostolu, B., Hassell, J.M., 2013. Auditor perceptions of client narcissism as a fraud attitude risk factor. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 32 (1), 203-219.
- * Kannan, Y., Skantz, T.R., Higgs, J.L., 2014. The impact of CEO and CFO equity incentives on audit scope and perceived risk as revealed through audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory* 33 (2), 111-139.
- * Klein, A., 2002. Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics* 33 (3), 375-400.
- * Kim, Y., Li, H., Li, S., 2014. CEO equity incentives and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, Forthcoming.
- * Krishnan, G.V., Pevzner, M., Sengupta, P., 2012. How do auditors view managers' voluntary disclosure strategy? The effect of earnings guidance on audit fees. *Journal of Accounting and Public Policy* 31 (5), 492-515.
- * Lewellen, W. G., & Badrinath, S. G. (1997). On the measurement of Tobin's q. *Journal of Financial Economics*, Vol 44, No 1, PP 77-122.
- * Malmendier, U., Tate, G., 2005. CEO overconfidence and corporate investment. *Journal of Finance* 60 (6), 2661-2700.
- * MacGregor, J., 2012. Audit committee equity holdings, the risk of reporting problems, and the achievement of earnings thresholds. *Journal of Accounting and Public Policy* 31 (5), 471-491.
- * Schrand, C., Zechman, S., 2012. Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics* 53 (1-2), 311-329.